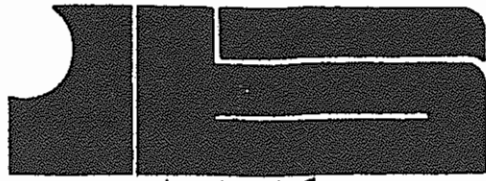


# کارگران و زحمتکشان متحد شوید



نابود باد امپریالیسم جهانی  
بسرگردگی امپریالیسم آمریکا  
و بپاکه داخلش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰ - شماره ۱۳۶۱

سال پنجم - شماره ۱۵۳

## باز هم درباره وظایف ما

پیشتر ارتجاع در اسفند ماه سال گذشته به مراکز ترویج و جایگاه سازمان و در پی آن شهادت و دستگیری تعدادی از رفقا و نیز از جان رفتن بخشی از امکانات چاپ و تکثیر سازمان و قهقاری سه ماهه در انتشار نشریه کار پیش آورد. هر چند این ضربات سنگین بود اما بی تردید همانگونه که تاریخ بارها نشان داده است، ارتجاع قادر نیست نیروهای انقلابی را از فعالیت و رشد باز دارد. از همین رو بنا بر اهمیت و نقش نشریه کار پیش در شرایط کنونی جنبش را باید ایضا نماید. انتشار هر چه سریعتر آن در دستور کار قرار گرفت. چرا که نه تنها نقش تبلیغی و ترویجی نشریه انتشار ستر آن را ایجاب میکند بلکه از آن محض نقش سازماندهی کار در شرایط سرکوب و اختناق و پیشرویهای ارتجاع از اهمیت ویژه ای برخوردار میگردد. بنا بر این انتشار نشریه از سر گرفته شد و شماره ۱۵۳ آن منتشر گردید اگرچه ترویج نشریه تا شماره ۱۷۲ پیشتر صورت نگرفت و شماره ترویج شده آن در پیشرویهای ارتجاع به جایگاه به تاراج رفت با این وجود اکنون دیگر به علت کمبود مطالب تکثیر و توزیع نسخهای موجود آن ضرورت خود را از دست نداده است (مثلا از مطالب ترویج آیین شماره ها استفاده خواهند شد) تنها آنچه از اهمیت بسیار برخوردار بود و نیاز به تکثیر و ترویج مجدد داشت برنامه عمل انقلابی سازمان بود (که نشریه شماره ۱۵۰ ناما به آن اختصاص یافته بود) این برنامه عمل که بنسبست سالروز قیام بهمن ماه منتشر گردید اکنون بصورت نوشته ای جداگانه تکثیر و پخش شده است. بنا بر این پس از سه ماه وقفه در انتشار نشریه اینک دست به انتشار شماره ۱۵۳ آن میزنیم.

در این شماره ضروری بود که یکبار دیگر نظری کلی به تحول اوضاع سیاسی جامعه بیاوریم و وظایف خود را در مرحله کنونی جنبش تعیین کنیم. نظری کلی به اوضاع سیاسی جامعه نشان میدهد که علیرغم یک رشته تحولاتی که طی یکسال گذشته در اوضاع سیاسی جامعه و تناسب نیروها به نفع هیئت حاکمه صورت گرفته است ما همچنان با یک وضعیت سیاسی ناپایدار، درگیریهای پراکنده عدم تثبیت قطعی حاکمیت و چشم انداز یک انقلابی محدود جنبش اشغال و اعتراضی بوده ها که بیاتر روند های عینی تامل و تفادهاست که در نظر ما - همه با حدت و شدت هر چه نامتر در حال رشتوسیدگی است، روبرو هستیم.

جنبش بنظر میرسد که در پی پیشرویهای ارتجاع در یکسال گذشته و اعمال سیاست سرکوب و اختناق، نقی اوضاع سیاسی بر جامعه حاکم شده است. بی نظری سیاسی در میان بخش وسیعی از توده های مردم رشد کرده است. انسجام و سازمان یابندگی هیئت حاکمه و قدرت دولتی بیشتر شده است. از ابعاد بحران سیاسی به نحو محسوس گسترده است. مضع نزولی انقلاب در پایین ترین حد خود قرار گرفته است. سازمانهای سیاسی به درجات متفاوت آسیب دیده اند و میزان فعالیت آنها به نحو چشمگیری افت کرده است و در یک کلام تناسب قوا موقتا به نفع هیئت حاکمه بر هم خورده است. کاری است که اوضاع سیاسی یک سال پیش را با وضعیت موجود بقیه در صفحه ۲

# انقلاب تداوم دارد...



آنان میطلبید بکار گیرند. پیشرویهای جنبش به جز افت مبارزات توده ها چیزی بجز رعب و وحشت توده های را به دنبال آورد. توده های که هر چند در زیر فشار چریکهای زندگی در در تعالی رگانه جاربت اما حکمت ارتقا مبارزات خود و بکار گیری تحریک در مقابل به درکشانوری - که اینک عریان تر اعمال میگردد - نیازمند فرصت است.

اما چگونه میتوان دانست که این پایان ماجرا نیست؟ ضربات وارد آمده بر پیشرو انقلابی که حتی به از هم پاشیدن برخی سازمانهای گوناگونی اتحادیه ضربات وارد آمده بر مجاهدین بعنوان فعالترین نیروی اینرسیون، که به نظر میرسد انفجارات و شلیکهای در پی چشم خرد میوزایی آنان را تا حدودی مهار نموده است. آنگاه که با رسیدن وحشت توده ها با تقلیل مبارزات کارگران و زحمتکشان به غیرترین ها و اعتراضات پنهانی (یا به راستی جنبش است) همراه میگردد آنها کافی نیست تا شکست انقلاب را رقم زندند؟ آیا باز هم نباید تدارک قیام آنها را در دستور روز قرار داد؟ آیا باز هم در چشم انداز عنوان خستینش توی توده ها را دید؟ آیا در بقیه در صفحه ۵

سرکوب و حشیانه رژیم که با بکارگیری درمیشانه ترین شیوه ها اعمال میگردد مسلما نمیتوانست در پی خود افت مبارزات توده ها را به همراه نیابد. مبارزات توده ها در شرایط ضعف پیشرو و انقلاب در وجه عمده اشکال خود انگیخته را شامل میگردد و از اینرو جمع بندی تحریک و تعمیق آمیخته ها شکلی بطوری را یافت. توده ها در شرایط پیشرو و حشیانه رژیم که تعالی قدرت قهر و سرکوب خود را به میدان کشید نتوانستند (و نمیتوانستند) اشکال مبارزاتی مناسب جهت مقابله و اشکالی که سطح کیفی ارتقا یافته ای را نسبت به مبارزات در حیران

نسخه فعلی مطالب نامخوانی که اصولی و چند تا تغییراتی در متن و توضیحات آن در نظر گرفته شده است. سازمان فدائیان خلق ایران

# گزارش به هواداران

در صفحه ۳

● با ایمان به آرمان سرخ کارگران  
با ایمان به پیروزی راهمان  
در صفحه ۱۰

● پیروز باد  
جنبش مقاومت خلق گورد  
در صفحه ۱۰

## رققا! خبرنامه های محلی را سازمان دهید

تشدید اختناق و سانسور در یک دوران انقلابی همیشه با تشدید تعامل توده ها به کسب خبر همراه بوده است. رسیدن اخبار محمول در میان علیرغم فائزیتی ترین نوع سانسور در هر کوچه و برزنجی بطوریکه مهر خود را مایه بد نظریه توده ها در اولین برخورد با دوستان آشنایان و همکاران خود را - فاصله میبندند تازه به خبر ۳ این جمله تنها یک سؤال عادی و گذرا در محاربات روزمره توده ای نیست که واکنش طبیعی و اختناق ناپذیر مردم در مقابل سانسور فائزیتی ضد انقلاب حاکم می باشد. با توجه به این نیازمندی توده ایست که میتوان از خبر به صورت شکی از اشکال فعالیت تبلیغی در جهت بسیج و ترویج و رشد آگاهی آنها استفاده نمود. نیروی سیاسی که قادر باشد تعامل توده ها به کسب خبر را با انتقال منظم خبر به آنها آرضا نماید نه تنها خود را به

توده ها نزدیک کرده به پیوندی ارگانیک نه تنها آنها دست می آید. نه تنها با مطلع کردن آنها از رویدادهای محلی اجتماعی روحیه مبارزاتی آنها را بالا میبرد بلکه و بیشتر از آن با تنظیم خبری راستای مواضع خود میتواند از آن مانند یک وسیله تبلیغی سرچشمه بنا بر این - بن در وضعیت کنونی که اختناق و سانسور پدید می آید و توده ها هستند خبر بقیه در صفحه ۸

# کمیته های انتخاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



# گزارش به هواداران ★

رفقا! اینک پی ازمه ماه که انتظار آخرین شماره‌های نشریه کار توسط مزدوران مگذوره بار دیگر دست به انتشار ارگان سازمان میزنیم. در این مدت هر چند برنامه عمل سازمان که چاپ اول آن یعنی نشریه شماره ۱۵۰ به دست رژیم به پشمارت ششبرو توزیع گردید اما میتوان گفت ارتباط ما با رفقایمان، با نیروهای وسیع هوادار و از این طریق با توده‌های وسیع پشمر و مهربان قلمپود، هواداران و شاخه‌های مختلف سازمان تلاش بسیاری را در روغن کجیون بکار گرفتند و در حد قدرت خود دست به تهیه اعلامیه‌ها، نشریات و خبرنامه‌های محلی زدند اما به هر صورت ریسمان سرخی که میبایست تمامی این حرکات را بیکدیگر پیوند دهد قطع بود. در این مدت هر چند که قادر بودیم دست به تهیه و توزیع اعلامیه، تراکت، پانفیل و ... بزنیم اما از آنرو که میباید عده از غیر عده باز شناخت نامی نیرویمان را در جهت بازسازی هر چه سریعتر تشکیلات و تدارک جدی سازماندهی نوین ارگان بکار گرفتیم. از آنرو که شکل دیگر عمل هر چند میتوانست تاثیراتی جزئی و فوری را ایجاد نماید اما به هر رو انتشار ارگان را حتی برای مدتی کوتاه به تأخیر می‌انداخت و این خود در دراز مدت اصولی نمی نمود. اینک در شماره نخستین که پس از این وقفه انتشار مییابد وظیفه خود میدانیم که از وقایع و تحولاتی که در این مدت سازمان ما آن روزی بوده به تمامی رفقا هواداران و توده‌های انقلاب، گزارش دهیم.

۱- چگونگی وارد آمدن رژیم: ضربه اسفند ماه از روز شنبه ۱۳ اسفند آغاز گشت و در روز سه شنبه ۳ اسفند ماه پایان یافت، بر اساس تحقیقات انجام شده و اطلاعات بدست آمده شنبه شب احمد علی (مستول چاپ و شاپور مرتضی) دستگیر میشود. در همین شب رفیق محمدآزادی (از حوزه چاپ و توزیع و مسئول توزیع نشریه) بر اثر بیوش رژیم به خانه اش شهید میگردد. جایگاه سازمان نیز در همین شب ضربه خورده بدست رژیم می افتد. یکشنبه شب مرکز سازمان میرد بیوش رژیم قرار می گیرد. رفقا عباس، امیر و جوان (از حوزه چاپ و توزیع) در درگیری که منجر به کشته شدن رفیق کیمه محل ودو باسدار میگردد به شهادت میرسند. در همین روز رفیق نظام (عضو مرکزیت، مسئول کمیته کارگری و تشکیلات تهران) که برای سرکشی به یکی از مراکز توزیع رفته بود ضربه خورده به شهادت میرسد. صبح ریشنه رفقا کاظم (عضو مرکزیت) و مسئول کمیته امنیت) و خشیار که بصورت جداگانه از ضربه جایگاه مطلع شده بودند با تأکید بر این مطلب که اگر احد تلفن را بردارد به خانه اش میروند خارج میشوند هر دو رفیق در درگیری با مزدوران به شهادت میرسند روز سه شنبه رفیق هادی (عضو مرکزیت) مسئول تدارکات و امور مالی و مسئول کمیته نظامی) بسا دریافت پنهانی از احمد که برای او فرستاده بود به محل قرار میرود و ضربه میخورد ضربه در اینجا پایان مییابد.

آنچه کاملاً روشن و مسلم است احمد خیانت و خود فرشی پیشه کرده و تن به مزدوری رژیم سپرده است و تحقیقات ما نیز مید این ساله است. احمد حدود یکماه قبل از ضربه در خیابان توسط اطلاعات شهربانی دستگیر میشود و برای مدتی در آدرس و تلفن خانه پدری اش را به پلیس میدهد. پس از آن احمد توسط پلی از رفقای پرسنل شهربانی ما فراری داده میشود. پس از قرار بر اساس اطلاع شهربانی و کیفیها نیروی ویژه ای جهت دستگیری احمد و رفیق اختصاصی میدهند. احمد علیرغم پخشنامه مرکزیت جنسی بر عدم تماس رفقا با خانواده هایشان در ایام عید و علیرغم دادن آدرس به شهربانی با خانواده اش تماس میگیرد و با مادرش قرار ملاقات میگذارد. پلیس با اطلاع از این امر به تعقیب احمد میرد از دو به مراکز چاپ و توزیع دست مییابد.

آنچه روشن است احمد به محض دستگیری به

هنگاری پایبندی پر از است. تنها همکساری احمد ممکن بود جایگاه سالم بدست پلیس بماند. (که چنین شد) اطلاعاتی که رژیم اعلام کرد تنها میتوانست از سوی احمد در اختیار قرار گرفته باشد و همچنین رفقا هادی، کاظم و خشیار در ارتباط مستقیم با خیانت احمد به سر قرار رفته و ضربه خورده اند.

۲- مسیر حرکت در جهت بازسازی و نظرات موجود: پس از وارد آمدن ضربه اسفند ماه سازمان در عین کوشش جهت باک نمودن رد های موجود و جلوگیری از تداوم ضربه، که کاملاً پیش با موفقیت ناپدید و بسرعت پایان گرفته و کوشش تادیر عین تحلیل ضربه روند بازسازی تشکیلات تداوم حرکت آن را برنامه ریزی کند. در ایمن رابطه رفقای گرایش اقلیت سازمان (ا.ق) که پس از ضربات وارده بر پیگار و مجاهدین تری سنی بر عده بودن بقا، فیزیکی در مظهر کورده بودند و معتقد بودند پلیس از انجمن سنی برخوردار شده است. اما تشکیلات سیستم حفاظتی شخصی ندارد. در نتیجه در شرایط کنونی بقا، فیزیکی کارها در دستور کار قرار دارد و این امر را باید به پیش برد. حتی به قیمت سه ماه تعطیل کار. نظرات خود را منجم تر کرده و پیشنهاد تعطیل فعالیت های سازمان در سطح جامعه را دادند. رفقا طرح کردند:

از آنرو که مستطام پلیس به انجمن سنی رسیده و اطلاعات رژیم بزرگوار است از زمان زیاد است اما تشکیلات ما فاقد سیستم دفاع و حفاظتی است. از آنرو که هنوز عمل شخص سرمنشأ ضربات معلوم نشده و کوشش ضرورت قطع دارد که بقویت و علاوه بر قطع کامل ارتباط با مراکز که ضربه خورده است و بهر شکل مشکوک بنظر رسیده اند، باید کلیه فعالیت های بیرونی، ایحاد جلسات حوزه‌ای - ارتباطات غیر ضروری در تهران قطع گردد.

رفقای ا.ق در همین رابطه پیشنهاد انتقال رفقای رهبری به نقاط امن و آنگاه قرار گرفتن تحلیل ضربه و روند بازسازی در دستور محبت تشکیلات را ارائه کردند.

اما نتایج مدت کوتاهی پس از این پیشنهاد رفقای ا.ق را سوادین اطلاع مرتب دست به انتشار جزوه ای بنام "ترانزانه و چشم انداز" زدند. این جزوه که حاوی نظرات و تفاسات بعنوان بولتن شماره ۱ مبارزه ایدئولوژیک علی حساب شده بود که در جایگاه به تاراج رفت و پس از ضربه قرار بود در اسرع وقت تجدید چاپ گردد. رفقا دست به این عمل زدند. این عمل از سوی گرایش اکثریت سازمانی (ا.ک) بعنوان عملی سازمان شکنانه و فرآکسیون میورد انتقاد قرار گرفت. رفقای ا.ق در مقابل این انتقادات مطرح میکردند "از آنرو که به علت شرایط کنونی سازماندهی مستقل خود برای انقلاب ضروری است سازمان باید وجود یک فرآکسیون سیاسی - تشکیلاتی را پذیرا شود در غیر این صورت انتشار "ترانزانه و چشم انداز" به معنای انشعاب است. رفقای ا.ک در مقابل این برخورد مطرح میکردند:

۱- کجوه سازمانی با دو ساله ای بنام "حق گرایش" که خود مقده ایجاد فرآکسیون است و از سوی ا.ق پیشنهاد شده بود بخوبی نشان میداد که اکثریت سازمان با فرآکسیون مخالفند. انشعاب نیز در شرایط کنونی زودرس است و توده های تشکیلاتی را در بلاتکلیفی و در مقابل یک تصمیم گیری اجباری بدون اطلاع دقیق از مواضع دو طرف قرار میدهد.

در همین رابطه برای جلوگیری از یک انشعاب ناسالم و زودرس از سوی رفقای ا.ک پیشنهاد شد که در همین پیشبرد روند بازسازی مدت دو ماه (که قابل تعدیل نیز هست) جهت مبارزه ایدئولوژیک و ارائه نظریات مختلف به درون تشکیلات و برخورد فعال از سوی پندنه سازمان در نظر گرفته شود در انتهای این مهلت بر سر شیوه تداوم حرکت (حرکت مشترک فرآکسیون) انشعاب با ... در جلسه ای مشترک تصمیم گیری خواهد شد. رفقای ا.ق در ابتدا به شدت بر مساله جدی با تحصیل فرآکسیون هم به تشکیلات پای می قشردند اما پس از بحثهای بسیار در جلسه مرکزیت و مشاورین ما تا رسید

بر این امر که "انشعاب قطعی است" این طرح را پذیرفتند. رفقای ا.ق در همین جلسه در مورد انتشار خود سرانه جزوه به خود انتقاد کردند. رفقا همچنین اعلام نمودند که تا کنون روابط مسوازی تشکیلاتی نداشته و سازماندهی مستقل نکرده اند و تا انتهای پروسه نیز به چنین عملی دست نخواهند زد.

در مورد شکل تداوم حرکت سازمان مقرر شد تنها بخشهایی که از نظر امنیتی کنترل شده و پاک هستند حرکت بیرونی خود را ادامه دهند و سایر بخشها در وهله اول کنترل امنیتی و بازسازی و در دستور قرار دهند و پس از بازسازی و آمادگی امنیتی دست به حرکت بیرونی بزنند. در ایمن رابطه بخشهای مختلف سازمان برنامه های زمان بندی شده ای را جهت بازسازی و تداوم حرکت تهیه نمودند.

۳- مبارزه ایدئولوژیک علنی: پس از تصحیحات فوق در رابطه با پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علنی متن "ترانزانه و چشم انداز" بعنوان نقطه نظرات گرایش ا.ق و بعنوان "بولتن شماره ۱" با احتیاط منتشر شد. از سوی دیگر اطلاعیه ای از سوی رفقای ا.ق ارائه شد این اطلاعیه که اعضای رفیق شهید کاظم را نیز دارد از سوی رفقای ا.ق در اسفند ماه جهت اعلام مواضع و انشعاب تهیه شده بوده است و پس از ضربات انتقادات یافت. از سوی گرایش ا.ک در رابطه با نقد نظرات رفقای ا.ق و ارائه نقطه نظرات ایمن گرایش جزوه "لننیمس با تروتسکیسم" بعنوان بولتن شماره ۲ انتشار یافت.

در متن ارائه شده رفقای ا.ک بر عدم پذیرش فرآکسیون در درون تشکیلات تأکید میوزند و معتقدند در تشکیلات سازماندهی واحد و رهبری واحد الزامی است و این امر بخصوص در شرایط دیکتاتوری عریان کنونی لازمه تداوم حرکت و بقای رژیم است. رزنده یک سازمان است. رفقا معتقدند در عین حال که مبارزه ایدئولوژیک علنی تداوم خواهد یافت و رفقای ا.ق به ارائه نقطه نظرات خود خواهند پرداخت در خط مشی و روند پیشبرد حرکت تابع سیاستهای صوبه سازمان خواهند بود و در این رابطه سازماندهی مستقل در تشکیلات معنایی نخواهد داشت. رفقای ا.ق بر ضرورت ایحاد فرآکسیون تأکید میوزند و معتقدند از آنرو که "سازماندهی مستقل خود برای انقلاب" ضروری است حجاز به تشکیل فرآکسیون سیاسی - تشکیلاتی خود میباشند. رفقا تنها در صورت پذیرش فرآکسیون از سوی ا.ک تداوم کار در تشکیلات را میپذیرند.

علیرغم تمامی کاشی ها، علیرغم آنکه رفقای ا.ق برخلاف انتقاد از خود و تعدیل شان جزوات دیگری را نیز خود سرانه تکثیر و توزیع کردند اما سه هر رو سازمان در شرایط سخت موجود شکل گیری مبارزه ایدئولوژیک علنی را تجربه میگرد و توده های سازمانی اینک میروند تا به شرکت فعال در مبارزه ایدئولوژیک بپیوندند اما گرایش ا.ق کوشش نمیتوانست با تمامی ادعاهایش در مورد اعتقاد به مبارزه ایدئولوژیک سراسری در کوران این مبارزه که مسلماً بتدریج شکل میگرفت و گسترده میگشت - تاب آورد. پس از انتشار جزوه لنینیمس با تروتسکیسم که به نقد دیدگاههای این گرایش پرداخته بود، دیداری پرداختند و در نهایت نیز چهار تن از رفقای ا.ق اطلاعاتی را تحت عنوان "روش کار سوسیالیستی" و با احضار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - گرایش سوسیالیسم انقلابی - منتشر کردند. بدین طریق بسیار دیگر خود سرانه حق تصمیم گیری و انشعاب را از توده های تشکیلاتی و حق دانستن برگزیدن را از توده های پشمر مهربان طلب کردند. آنان تصور کردند که تنها با نهادن نام فدایی بر خود قادرند در میان توده های انبوهی و حیثیت دست یابند و در این راه از "پیشنیان خانه نشین" خود درس نگرفتند.

بقیه در صفحه ۴

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

# گزارش به...

بخط رصحه ۳

سوسیالیسم از زمره متحدین پرولتاریا حذف می‌گردد.

در باره مسائل پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب :  
 گرایش ا. ق. شعارهای بسیاری در مورد پرولتاریا طرح می‌کند اما از آنرو که پرولتاریا را از متحدین خود جدا می‌سازد در عمل نقش پرولتاریا را از انقلاب حذف می‌کند. گرایش ا. ق. معتقد است که ضروری نیست پرولتاریا جهت پیروزی انقلاب و کسب قدرت اقتدار خود را در پیروزی و زحمتکشسان را اختصاص بخود ملحق گرداند بلکه اگر موفقیت به این کار نشد به تنهایی انقلاب را به پیش میبرد و پس از کسب قدرت به حزب ایبر اقتدار می‌پردازد. اما از آنرو که پرولتاریا ایران در شرایط کنونی تنگ و آگاهی لازم را در اختیار گرایش ا. ق. به انجام می‌دهد که می‌تواند گسترش لیسبرال-دموکراتیک قدرت را در دست گیرد پرولتاریا جهت تسکین استفاده از دوره تنگی قانینی خود انتظار کمالی خود و در جهت سرنگونی آنان خواهد کرد. بدین طریق آنها نقش پرولتاریا در مرحله کنونی انقلاب را عملاً حذف می‌کنند و در انتظار کسب قدرت از سوی شورای ملی مقاومت می‌نشینند تا مسکرها سوریجی از دوره تنگی قانینی پرولتاریا را متشکل و آگاه سازند. در صورتیکه گرایش ا. ق. معتقد است علیرغم ضعف تنگ و آگاهی پرولتاریا باید کارگران را به شرکت هر چه بیشتر و فعالانه تر در انقلاب برانگیزد و پیروزی خلق انقلاب و نه چشم‌انداز تنگی قانینی را در دستور قرار داد.

روشن است که ایندو دیدگاه یکی مدافع تئوری ترولسکیست و دیگری مبتنی بر بنیادهای لنینیستی است. اصولاً قادر نیستند مدتی طولانی در کنار هم در یک سازمان قرار گیرند. اما هر دو ما پیوسته کشیدیم تا با پیوستن یک مبارزه ایدئولوژیک خلق دیدگاههای گرایش ا. ق. را که در سطح بین‌المللی برکنشگشایی اعلام شده در میان هواداران پیشرویش افشا کنیم و احسازد ندیم هیچگاه تعداد آنها از انگلستان دست فراتر رود. اما آنان این مبارزه را تحمل نکردند و با انتشار اعلامیه مذکور جدایی خود را از سازمان اعلام کردند. بنابراین این چهارتن از رفقای ا. ق. در حال حاضر هیچگونه مسئولیتی در ارتباط با سازمان ندارند.

گزارش ارائه شده در مورد تحولات اخیر سازمان پیش از پیش وضعیت کنونی ما و وظایف سنگین و حیاتی هواداران را روشن می‌سازد. پس از ضربه‌ای که سازمان وارد آمد و مخدوم شد بهادت با دستگیری رفقای بسیار ارزنده‌ای گشت اینک نیز جدایی زودرس بر سازمان تحمیل گشته است. علیرغم تمامی تقصیرات موجود در این مدت، علیرغم لزوم تغییرات و تدارکات وسیع علیرغم پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک خلق که خود اینو بسیار آرا جذب می‌کند سازمان توانست در این مدت به پیوسته بازسازی بپردازد. علاوه بر بخشهای دیگر سازمان، اینک ارگان سازمانی بار دیگر انتقاد یافته است و از اینطرف ارتباط سرخ ما با رفقای هوادار برقرار است. اینک بر محاسبات کمیته‌های نیروی توان به سازماندهی حول ارگان و به گرد آوردن تمامی نیروی موجود و برگرد نشریه کسار بپردازیم بر محاسبات که یادارک نقش مبلغ، روح و سازماندهی ارگان توانی توانتان را جهت ایجاد وسیعترین شبکه‌های ارتباطی با سازمان کارشده‌ای تدارکات و کمکهای مالی، هدایت مبارزات توده‌ای و در نهایت تدارک و رهبری قیام توده‌ای خواهد بود بکار گیرید.

خون سرخ و رفقایان شعلی است بر راه انقلاب پس از خیزش، رود توفنده، آگاهی را بر این خاک تشنه جاری سازید، فریادهای سرخ خود را بر فلات خونین سردهید، خاکستر رعب و هراس را از سطح آهنگ دگشته انقلاب به کاری زیند، تا مسکرها میل خروشان سینهای ستم و بازوهای پولادین بنیادهای کاخ ستم را از صیبن رنجیده‌مان ببردند.

صلمانز همان ابتدای شکل‌گیری این گرایش نظر ما می‌رسید کاتیا اساساً نخواهند توانست از خط و شی پروتی کنند چرا که میان لنینیسم و ترولسکیسم هیچگونه نزدیکی وجود نداشته‌اند. بدانگونه که کاملاً ترولسکیسم را نچندان در درون جنبش کمونیستی بحساب آورد. اما دانستن این صاله برای ما کافی نبود. ضروری بود که طس یک مبارزه ایدئولوژیک نظرگاه‌های این گرایش در میان توده‌های تشکیلات افشا گردد. لازم بود که به گداییم توده‌های تشکیلاتی خود در پیابند که حضور این گرایش در سازمان چیزی جز گشایدن مایوسه انحلال و تعطیل در بر ندارد. لایه‌های ناخشنان زنیباو شعارهای پرطمطراق این گرایش شگفته شود و به عرصه واقعات شخص کشیده شود و اشکال خلقی آن بررسی گردد تا روشن شود در پس این زرق و برق و بوخ و کرنا تنبازهنی گرایش مطلق نیهت است و پس لازم بود روشن شود آنان که سخن از به قطعیت رسانیدن انقلاب می‌زنند در برخورد با شرایط شخص تعطیل سازمان این موضفه می‌کنند. آنان که از سیج پرولتاریا بسیار دم می‌زنند تا شیک شخصشان از جد کیمته‌های عمل‌گرای مشابه کیمته‌های مخفی که کارگران پیشرو را جهت تدارک انتصاب عمومی سیاسی سازمان می‌دهند گاهی شخص تری گرد و به ضمه عمل فرا نمی‌روند. (و این همان کیمته‌های مخفی انتصاب است که حتی پیش از طرح علنی شعارش از سوی سازمان توسط کیمته کارگری در میان کارگران تشکیل گشته بود). آنان که از سجاهدن به عنوان توجیه‌های پیروزی می‌سازند می‌کنند و در حرف‌حرکات آنان را بعنوان حرکات آنتاریستی می‌پذیرند خود در ارائه تشکیلات در مقابل رژیم حمله سلحانه، بزبان نارنجک و به رنگار بستن تظاهرات و راهپیمایی‌های روزیم و تشییع جنازه‌ها را پیشنهاد می‌کنند. (تعمای این مسائل طرح‌ها و سخنان رسمی است که در نوشتجات این گرایش و یا در جلسات رسمی کیمته‌های سازمانی ارائه شده است.) و از همین رو نیز ما پیشنهاد جلوگیری از انتصاب و شکل دادن یک مبارزه ایدئولوژیک خلقی را طرح کردیم و آنقدر بر آن پای ندریم تا گرایش ا. ق. نیز- علیرغم انتقاد به جدایی پیش از این عمل- مجبور به پذیرش آن گشت. هر چند که آنان که از پرسش انقلابی بسیار سخن می‌زنند در عمل این مدت را فرصت طلبانه به کستوش ارتباطات ماورا تشکیلاتی، به چاپ و توزیع خود سرانه جزوات و دیگر حرکتی که کوچکترین نزدیکی با پرسش انقلابی ندارد پرداختند و در نهایت نیز خود را "گرایش سوسیالیسم انقلابی" نامیدند. و به تصور خود کربیان خود را خلاص کردند.

« اختلافات ما: در اینجا جهت هر چه روشن تر شدن اختلافات بنیادی موجود بین گرایش ا. ق. و ا. ک. به طرح رئیس کلس اختلافاتی که در کنگره سازمانی شکل گرفت می‌پردازیم. درباره مرحله انقلاب: گرایش ا. ق. از انقلاب سوسیالیستی در شرایط کنونی ایران دفاع می‌کند و به برقراری بلافاصله دیکتاتوری یک طبقه (دیکتاتوری کارگران) در مرحله کنونی انقلاب معتقد است. در حالی که گرایش ا. ک. انقلاب را انقلابی دموکراتیک توده‌ای می‌شناسد و در مرحله کنونی از لزوم استقرار دیکتاتوری دموکراتیک کارگران و دهقانان - که این خود مقدمه‌ای جهت گذار به دیکتاتوری یک طبقه یعنی دیکتاتوری پرولتاریا به معنی اخس گفته است - دفاع می‌کند. درباره برنامه حداقل وحدتگرای پرولتاریا: در حالیکه گرایش ا. ک. از ضرورت تشکیل برنامه حداقل وحدتگرای پرولتاریا در شرایط کنونی جهت پیشبرد امر انقلاب و جذب متحدین پرولتاریا دفاع می‌کند گرایش ا. ق. تشکیل برنامه حداقل حداقل را مجاز نمی‌داند و از برنامه انتقالی برای انقلاب سوسیالیستی دفاع می‌کند. در باره اردوگاه سوسیالیسم گرایش ا. ک. - علیرغم مرز بندی با انحرافات رژیونیستی اردوگاه سوسیالیسم آترا مشابه متحد جهانی پرولتاریای ایران میدانند. اما گرایش ا. ق. اردوگاه

# باز هم درباره وظایف...

بقیه از ص ۵

مبارزه انقلابی و بر جای آوردن یکال تن- تحولتوارانه می‌دهد. این شیوه مبارزه انتصاب عمومی- سیاسی است که باید قیام سلحانه به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی خواهد انجامید. نه تئوری فری و نه شکل‌توطه گرانه قفسه قدرت سیاسی هیچیک قادر نیست به سرنگونی انقلاب رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت دموکراتیک بمانجامد. نقش عظیم طبقه کارگر در جامعه سرمایه‌داری به او

آنچنان قدرتی بخشیده است که قادر است بایک انتصاب عمومی سیاسی و توقف تولید تمام ارگان جامعه سرمایه‌داری را بلرز در آورد. و تا بهای تغذیه در داند و قدرت پیروزی رژیم سترکام و امپریالیسم را قطع کند. تنها پرولتاریا قادر است با برپایی یک انتصاب عمومی سیاسی ضربه‌ای قلع گشته و معکم بر دیگر رژیم جمهوری اسلامی وارد آورد. تمام اقترا و طبقات انقلابی را حول خود به مبارزه علیه رژیم حاکم افراخاند و از طریق یک قیام سلحانه توده‌های سخوی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کند. تمام اشکال مبارزه انقلابی دیگر توده‌ها و وابسته به مبارزه انقلابی پرولتاریا و اشکال مبارزه آن است. تنها کافی است که اشاره شود علیرغم سه سال مبارزه دلاورانه و لایتنقطع خلق قهرمان کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی هیچ‌چوجه نتوانست است خلقی در ارگان رژیم پدید آورد.

بلکه امروز بیش از همیشه سرنگونی این جنگ به مبارزه سراسری توده‌ها قیام از همه مبارزه انقلابی طبقه کارگر ایران وابسته گشته است. از اینروست که برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی می‌باید به برپایی یک انتصاب عمومی سیاسی تمسک یافت. پیش شرط برای این سرنگونی محسوب می‌گردد که نتیجه نهایی آن به یک قیام سلحانه وابسته است. بنابراین می‌باید شعار انتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحانه را به درون توده‌های وسیع مردم برد و حول این اشکال مبارزه توده‌ها را به سرنگونی رژیم دعوت کرد و در جهت تدارک آن گام برداشت. اما این تأکید بیش از حد ما بر انتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحانه‌ای اشکال دیکر مبارزه انقلابی که الزاماتی این پیوسته پدید آمده و با بناتذیتر پدید خواهد آمد. نظیر تظاهرات مبارزه پارتنی برای تسخیر منطقه‌ای قدرت یا تظاهرات سرخ بطور کلی نیست. چنانچه امروز رفقای ما در کورستان روش به روش خلق قهرمان کرد می‌کنند. و از قلب سلحانه‌ها با یکدیگر رژیم دشمنها ضریات سلحانه واری می‌آیند. و نیز مانا کیمت سلحانه را بعنوان یک مانا کیمت فیزی در مناطق دیگر می‌شناسیم اما بهر حال هیچ توده‌ای ندانیم که سرنگونی انقلاب با مبارزه انقلابی طبقه کارگر و رهبری این طبقه بر جنبش و انتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحانه خواهد بود.

حال باید دید که ابزارهای لازم برای برپایی یک انتصاب عمومی سیاسی، سیج هر چه بیشتر نیرو و تدارک سیاسی قیام به مثابه وجه عمده کسار تدارکاتی ما و بالاخره سازماندهی مبارزه طبقه پرولتاریا و رهبری مبارزه توده‌ای در شرایط کنونی است. اما به منظور برپایی یک انتصاب عمومی سیاسی و تلاش بیشتر در راستای آگاهی پرولتاریا امروز لازم است که باتوجه به وضعیت سیاسی موجود کیمته‌های مخفی انتصاب را ایجاد کرد.

ایجاد کیمته‌های مخفی انتصاب که به صورت وظیفه عمده ما در این ایام در آمده است. در همان حال که ابزار ضروری برپایی یک انتصاب عمومی سیاسی محسوب می‌شوند و بصورت ارگانهای رزنده و پیکارجوی طبقه کارگر عمل می‌کنند. با نگرین بر وضعیت سیاسی لحظه کنونی نیز می‌باشد. ایجاد این کیمته‌های مخفی به ما امکان می‌دهد که به نحو فعال در جهت انجام فعالیت‌های خود بیخنی رهبری و سازماندهی مبارزه طبقاتی پرولتاریا گام برداریم. این تشکیلات که در آغاز از پیشروترین و آگاهانه‌ترین عناصر کارگری در درون کارخانه تشکیل می‌گردان هسته رزنده است که قادر است با

بقیه در صفحه ۹

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک انتصاب عمومی سیاسی و قیام سلحانه برانداخت



# انقلاب

ضد انقلاب قادر میگردد در شئون اساسی زندگی اقتصادی، اجتماعی یک جامعه آزاده خود را حاکم گرداند و توده های زحمتکش بر این آزاده گردن میبندند و در آن هرج و مرج و بی قانونی پایان میابد و در آن "نظم قانونی" دوران خود سیاسی و حاکمیت اجتماع فراموشد. دوران تلاطم و انفجارهای متعدد و وسیع متوجه دوران حرکت سریع و سرگرمه آید پایان می یابد و اوضاع به حالت عادی میسر گردد. رژیم سیاسی تثبیت میشود و تغییرات در آن بعدی غیر قابل لمس تنزل می یابد. دیگران برآمدهای لشکرو کمابیش وسیع توده های خیری نیست.

ریزوری از پا در آورد و سرکوب نماید - و این همه تنهایی کافی نیست - و از سوی دیگر بر بحران فاشیو آید و آنرا تعدیل نماید. این قانون در تمامی تحارب تاریخی و در تمامی انقلابات به اثبات رسیده است.

انقلاب ۴۱-۴۸ آلمان، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، انقلاب شیلی در ۱۹۷۳، کودتای سال ۳۲ در ایران و حتی سرکوب ۵ خرداد سال ۴۲ بخوبی نشان میدهد که تنها سرکوبی که در پس آن زلزل و فاشیو آیدن بر بحران نهفته است قادر است انقلاب را به شکست بکشد. این جوهر برخورد مارکسیستی-لنینیستی به مساله انقلاب است.

حالت سیاست - و پسادر حقیقت دست و پا زدن مدیجانه - رژیم جهت کشاندن بخشی از سرمایه های تجاری صنعت یا لشکری متفحانه و ریزوری گشت. و در نهایت گشتی کوس ریسی و شوکتی که ارزی و اقتصادی رژیم را نشنیده باشد. لغو اعتبارات تجاری و محدودیت بسیار برای اعطای ارز متعارف کنترل وسیع رژیم بر خروج ارز از کشور و حقیقت در دست نگه داشتن آن چون جلوگیری از داشتن حلقه در دست هنگام خروج از کشور (خاصه) که در آنجا معاملات شدیدی رژیم به انجام رساند. تئوری آن که خود از عدم ترس دلایل افزایش تجارت با کشورهای سوسیالیستی است فروش متفق جات و آثار باستانی (که حتی لایحه آن به مجلس رفت) و دیگر حرکاتی اینچنینی هکلی دلایل محلی برنسی بودن خزانه و پایان یافتن ذخایر ارزی است.

این امر بهتر است بایستی از مردم به صحبت بنشینیم. خواهیم دید که حتی عقب مانده ترین توده ها همانند نمایندگان نظری یک گرایش سیاسی بحث میکنند. درباره مسائل و موضوعات سیاسی که با زندگی آنان ارتباط تنگاتنگ دارند نظر میدهند و جمع بندی میکنند و حتی بسیاری تا آنجا پیش میروند که تا تکنیکهای سازمان پیشرو را به نقد میکنند و راهکارها روشن مبارزه میپردازند.

بقیه از صفحه ۵

و بر تثبیت آن کردن نهاداند انقلاب یا بیخ و بنم و افت و خیز و اشکال گوناگون است پیش میروند. گناه علمی میروند گناه پنهان، گناه در سطح جاری است و گناه در عمق نگاه مستقیم ضربه میزنند و گناه غیر مستقیم. ولی در هر حال هم طغی است و هم مغنیه هم مستقیم و هم غیر مستقیم و مهر خود را بر هر چیز در جامعه میگذرد. به خیابانها نگاه کنید - کارگاهها وزارتخانهها و تمامی نهادهای رسمی را به پهنیستند. سنگریزه سرت سرت و مراقبت سلطنته در مقابل یک یا چند ارگان وجود ندارد تمامی ارگانها

باید گفت در طول کاشکی بین انقلاب و ضد انقلاب پیروانها و شکستهای فراوان حاصل میشود. بارها آتش عقب نشینی و سپس تشدید جنگ و تعرض مجدد صورت میگیرد. بقل لنین سر تغییرات در دوران انقلابی بسیار ناامید و در آن زمان آن به هر دو طرف توجیه میسر است. روند گشاکر انقلاب و ضد انقلاب پیروانها بی دری و بی شکستهای متوالی نیست اما باید همواره شکستهای موفق، وقت در یک یا چند جنبه و عقب نشینی های حاصل از این شکستها را با شکست ازین انقلاب متمایز دانست. ویژگی های این افت و خیزها، آرامشها و موت و پیدایش آنها با شکست قطعی انقلاب همانا در تمام انقلابی است. توده ها در جنبه های شکست میخورند و عقب نشینیها اما در جنبه دیگر به تعرض ادامه میدهند سرکوب میشوند اما صحنه سیاسی را ترک نمیکنند تحقیق میشوند اما خواب فرو نوروند و بحران همچنان

اینک باید به بررسی موقعیت کنونی انقلاب ایران پرداخت. ابتدا باید به مساله کلیدی پاسخ گفت. آیا بحران تعدیل شده است؟ آیا هیچ نشانه ای مبنی بر از میان رفتن سرکوب بحران در دست است؟ بروشنی میتوان گفت پاسخ منفی است. توده های هر روز با حادترین مسائل اقتصادی و فلاتک و شوکتی دست به گریبانند بهترین شاهدانی هستند که گواهی میدهند بحران تعمیق یافته است. اما در حالی که روزنامه های سرسبز رژیم نیز دیده میشود که بارآوری تولید سالانه از سال ۷۰ تا شون سیری نزولی را طی کرده است و در عوض نرخ واردات سرصعودی شدیدی را دراست. در حقیقت میتوان بریان ساده گفت چرخ تولید روز بروز از کار ایستاده است. عوارض از بروز افزایش نرخ بیکاری و سرزنزولی نرخ بیکاری تولید افزایش واردات تنها در خدمت دامن زدن به بحران است. معاملات پر بود و گرنای رژیم با ترکیه، پاکستان و دیگر کشورهای امپریالیسم نیز که محور اساسی آن بر تجارت متکی بود، علیرغم تمامی سعی رژیم که کشید آنها را بعنوان عوامل تثبیت خود به نمایش در آورد حرکتی استدر جهت تعمیق بحران و پس اقتصادی بر واردات متکی باشد است. پیشبرد این سیاست در عین افزایش سرسازایی بیکاری در عین تشدید ریزوری موجود، ت مانده ذخیره ارزی رژیم را نیز به سرعت بر باد میدهد.

در این میان کست که در ایران زندگی کند و از شوکتی اقتصادی رژیم بی خبر باشد. افزایش سرسام آور مالیاتها، قیصر آب و برق و دیگر خدمات، افزایش مجدد قیمت تولیدات، اختفاری دولت چون سیکار جای ... حرام سنگین راندگی، توسل دولت به تاجاق سیکاره افزایش عوارض اتومبیلیها، آنگاه به حیلها میگردند تا از اجتناب از اجناس برای سالهای دیگر فرسوس که طلا به قیمت چند برابر بازار جهانی، کم کردن سهمین زمینها و توسل به تاجاق کوبین ... همه و همه عوارض انباشته بر شوکتی اقتصادی دولت است. رژیم بجای رسیده است که عوارض انباشته را مجدداً برآورده، به پهن عوارض برای باز بینی فیمای سیمان توسل شده و حتی بخشنامه های جهت فروش لوازم اضافی وزارتخانهها و ادارات دولتی صادر کرده است. تمامی این نمودهای را که بطور روزمره برای یک یک توده ها قابل لمس است بر پهن نوبه، بر افزایش سرسام آور و روز بروز قبیله، بر سر کبود ما بحتاج اولیه و بر فقر و فلاتک توده های بیفرزایید، بخوبی روشن است که هیچ روی نمیتوان سخن از تخفیف و تعدیل بحران، چه بعد بر مهار نمودن آن، بیان آورد (روشن است که ما تنها و بروشن تنها شتی را نمونده خروار ارائه کردیم).

سبعترین توده ها بدنیال کست اخبار سیاسی، بعلمت اختناق سپاه حاکم، به رادبرهای خارجی گوش میدهند. در مورد هر سیاست و تصمیم رژیم اظهار نظر میکنند. در باره سخنران سران رژیم موضعگیری میکنند توده ها هر آنچه در جامعه میگذرد را به سیاست ربط میدهند و درباره آن اظهار نظر میکنند. هر چند ممکن است این علائم آنقدر روزمره نباشد که کمتر کسی به آنها توجه نماید. اما آنگاه که وضعیت حاکم بر توده ها را با دوران رکود و با شرایط خمود توده ای، مثلا سالیانی، مقایسه نمایم بروشنی میتوان گفت که توده ها سیاسی اند و باید دانست که تنها در شرایط اعتدالی انقلابی است که دخالت توده ها در امور سیاسی از انحصار وحتی بر خوردار میگردد که سیاسی بودن آنها به امری عادی بدل میگردد.

در این شرایط، بهر عیبی نهرهای سرکوب در شهرهای بزرگ را ببینید ماشین گردی، بازیسی بدنی پهن جاده ها و خیابانها، این عمل نه بچار باجندار بلکه بطور متوالی انجام میگردد. مزدوران رژیم در هر کجا بدنیال سرسازان انقلابند. مزدوران رژیم در هر کجا حضور انقلاب را چون سر نیزه ای سرود در پشت خود حس میکنند و حتی به اقدامات وحشیانه، که هر چند در هر اعلام نمیشود اما در سطح بسیار وسیع تداوم دارد نشان میدهد اینک دیگر توده ها تجارب بسیاری دارند و آنها بدیده اند و میدانند که توده های یک دوران انقلابی رژیم خود خلق به چنین احساسی تبدیل میشوند. هر چند رژیم فریاد میزند که هر چند مقابله با حرکات مدیجانه تنسی چند "ترویسنگو" این اعمال را انجام میدهند. اما باید دید در کجا و در چه زمان ترویسیم توانسته است ریزی تثبیت شده را اینچنینی به هراس ببردند و تمامی سیستم آنها حقل نماید آنها در ایتالیا، آلمان و یا ارگوتوه شیلی و آمریکا، ترویسیم توانسته است در دوران رکود سیاسی رژیم را اینچنینی به واکنش برانگیزد. مسلمانان اما در تمام کشورهای زمان رشد انقلاب و در یک انقلابی انقلابی ضد انقلاب متزلزل گشته و دست به چنین اقداماتی زده است.

در مقابل بخشهای مختلف تولیدی - هر چند که تولیدی است - روز بروز بیشتر بسوی تعطیل پیش میروند. نیسود مواد اولیه عدم وجود کارهای تخصصی و نبود سایلیدی عدم قدرت مدیریت و... همه همه روز بروز کارخانهجات بیشتری را به تعطیل میکشاند. در عین

تنها آنگاه ضد انقلاب قادر خواهد شد انقلاب را به شکست قطعی بکشد که از سوی توده ها را در نرسیدی

حاصل نمیشود. تا زمانیکه بحران عبوی اقتصادی که آغاز انقلاب را سبب گشته است و توده ها را به میدان مبارزه کشانیده تعدیل نشود است. توده ها برای زندگی کردن راهی به جز رزی آوردن به مبارزه وواهی به جز در هم شکستن رژیم و نهادن قوانین ندرست، زندگی روزمره خود توده ها را به سوی مبارزه پرورایی رژیم میزند. از آنروه تسلیم در مقابل شرایط موجود - شرایطی که زاده بحران است - بر او است با سرکوب

توده ها به خواب فرو رفته اند. آیا رژیم توانسته است با بازی سرکوب و گشتار وحشیانه خود توده ها را به دوران خودکشی باز گرداند و از عرصه سیاسی خارج سازد یا هنوز هم توده ها حاضرند برای خونریزیهای اساسی خود به مبارزه انقلابی روی آورند؟ جهت روشن شدن

هنگامه، هیچ جنبش واقعی خلق وجود نداشت زمانیکه مبارزه سیاسی هنوز به مبارزه طبقاتی پیوند نیافته و جز تفکوک تأثیر بر آن نگردیده بود اقدامات ساده پلیسی علیه افراد و محافل طبقاتی نتوانست موثر افتد. کار هست این اقدامات علیه طبقات، به طرز ضحک و خنده آوری بی اثر است و این چیزی است که به اثبات رسیده است و طبقات بعلمت وسعت و گزرت نفارتشان به سدی در برابر پلیس بدل میشوند. پذیرش بقیه در صفحه ۷

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

# انقلاب

شکست کامل شیوه های  
مضطرب آمیز و پوپولر-  
پلیس از جانب هیئت  
حاکمه و پرداختن  
سازماندهی بلاواسطه  
حکمت داخلی رانسان میدهد  
که روز تصفیه حساب نهایی  
نزدیک میشود.

( لنین - .....  
..... )

۱۱۰۵

در نهایت .....  
مبارزات و اعتراضات و  
اعتراضات کارگری را به  
بررسی ..... هر چند  
رژیم با تمامی توان میگوید  
اخبار این مبارزات به هیچ  
روی پخش نشود و هر چند با  
تمامی توان به سرکوب و خشیانه  
آنها دست میزند اما باز  
شاهد حرکات اعتراضی  
و اعتصابات کارگری هستیم.  
تنها در شش ماهه دوم سال  
۶۰ در کارخانجات تبرج  
قرین و استارلیست و  
دن باکستر، شوفان کاره  
ایران ناسیونال،  
ایران یاسا، دیلمان،  
بری میلوهای پرورد،  
گنجر گوسان شاه، مسزدا،  
خانه سازی تبریز، انباری و  
سازمان چای در میان  
کارگران بندر خنکی شرکت  
واحد ارومیه و ... شاهد  
اعتصاب بوده ایم و تنها در  
هفتصد نفر بسیاری از  
کارخانجات دیگر و از جمله  
ایران دو چرخ، پالایشگاه  
تبریز، تولید دارو برای آهن  
کاز منطقه ای اهواز و ...  
کم کاری علنی صورت گرفته  
است. اشکال دیگر حرکات  
اعتراضی چون تحریک  
انتخابات فرمایشی، شک  
زدن مدیران و مسئولان  
و ... دارای وسعت  
بسیار بوده است.

هر گاه به چند نکته توجه  
کنیم بیش از پیش در هر یک  
وسعت اعتصابات و حرکات  
در این مدت از چه اهمیتی  
برخوردار است. اولاً باید  
دانست این تنها بخشی  
از اعتصابات و حرکات اعتراضی  
کارگران است که ما از آن  
اطلاع داریم. مسلم است  
که اعتصابات و اعتراضات  
بسیاری نیز در جریان بوده  
است که گزارشی از آن به ما  
اریال نشده است و سازمان  
در آن محیط نیروی شناسایی  
نداشته است. دوماً باید  
توجه داشت که این حرکات  
در هر ماهه در پهنای یعنی  
تقریباً در تمامی نقاط  
حرکات اعتراضی بوده است  
کرده است. زمانی که پیش  
و خشیانه رژیم و توسل آن به  
سرکوب علنی جو رسب و  
خشت را بر توده ها حاکم  
گردانده انجام یافته است  
هر گاه این حرکات را با حرکات  
شش ماهه اول سال در هم  
آمیزیم حرکاتی چون حرکات

عظیم و حماس کارگران  
شهر صنعتی البرز، حرکت  
شرکت واحد کتله و ...  
و ایران بیژانیم آنگاه ابعاد  
اعتصاب یکماه اخیر  
آشکارتر میگردد.

حال باید پرسید آیا رژیم  
سیاسی بکارچه کشته است  
آیا تضاد های درون رژیم در  
..... اختلافات داخلی  
..... کاهش یافته  
است؟ آیا چشم انداز  
تحولات اساسی درون رژیم  
وجود ندارد؟ رژیم خمینی  
پس از خارج کردن بنی صدر  
از دور تضاد های درونی خود  
هواره کشید تا یکجاریگی  
کازی را به نمایش درآورد.  
اما علیرغم تأکیدات کرد بر  
" وحدت کلمه " هر روز پیش  
از پیش انعکاس بحران حاکم  
بر تمامی شئون جامعه  
بر رژیم سیاسی پدیدار شد  
و هر روز بیش از پیش تضادهای  
رشد یافته از زیر پرده مسو  
و اختناق سر برآوردند. به  
صورتیکه اینک اکثری از پیرو  
اختلافات اساسی و درگیری  
های شدید درون رژیم  
مطلع نیست. خط امام با

کار نهادن بنی صدر در ارتش  
از حاکمیت سیاسی در جهت  
حذف لیبوال بزرگوار، تیک  
وزارتخانه ها، ادارات ارتش  
و بطور کل نهاد های قانونی  
بهیچ روی این امر را ممکن  
نمیسازد. لیبوالها این بار  
در سطوح پایین تر، در بدنه  
دستگاه دولتی در حد  
مدیران، معاونین و ... به  
اعمال نفوذ و پیشبرد  
سیاستهایشان مشغولند و  
این در شرایطی است که  
سردمداران نیز هستند که  
در آری گرایش لیبوالی  
میباشند. از سوی دیگر خط  
انجمن حجتیه با نفوذ وسیع  
در ارگانهای اجرائی و هیئت  
دولت، استاندارها و ...

همچنین شورای نگهبان و  
شورای عالی قضایی در مقابل  
" خط امام " قد علم کرده است.  
انجمن حجتیه در مقولات  
کاملاً بنیادی و اساسی چون  
عدم پذیرش ولایت فقیه، تأکید  
بر جدایی دین از سیاست  
( که جزء اصول انجمن است )  
حراست کامل از .....  
مالکیت بدون هیچگونه  
محدودیت و مخالفت با هر  
گونه رژیم در این رابطه و هر  
همچنین در زمینه های سیاسی  
چون نزدیکی به غرب ( عدم  
پذیرش رژیم در رابطه با  
تزدیکی های صلحی شرق )  
اولویت دادن مسائل اقتصادی  
نسبت به جنگ و ... پس  
خط امام در تضاد قرار دارند  
و با لیبوالها - بخصوص  
لیبوالهای باقی مانده در بدنه  
ارگانهای دولتی - همسو  
میباشند. این صف بندی  
بشکل بسیار حادی در تمامی  
ارگانهای رژیم به چشم  
میخورد. تضاد امور تربیتی  
با انجمن های اسلامی مدارس

تضاد ستاد های پرکزاری نماز  
جمعه با امامهای جمعیه،  
تضاد استنادها و فرماندار  
ها نمایندگان امام  
و امامهای جمعیه ... که  
در بسیاری نقاط از انجمن  
خبرآباد و با برخی مناطق  
شمال به درگیریهای شدید  
نیز انجامیده است. در کلیت  
خود نمود های این اختلافات  
است ( متذکر میشویم منظور

این نیست که تمام استنادها  
و فرماندارها حجتیه ای و  
تمامی امامهای جمعیه  
خط امامی اند و غیره بلکه  
نهادهای در شکل کلی خود  
مطرح میباشند.

تضاد مذکور آنگاه که بار دیگر  
اختلافات و از انجمله تضاد  
بین نهادهای " انقلابی " و  
وزارتخانه ها، تضاد بین  
ارگانهای اجرائی و مقننه و ...  
ارغام میگردد اختلافاتی آن  
چنان وسیع را شکل میدهد  
که هر روز شاهد نمونه های  
تعدد از آن هستیم و  
اختلافات شدید ارتش  
و سپاه حتی در برخی نقاط  
جبهه ها به درگیری مسلحانه  
و عدم حمایت ارتش از برنامه  
های جنگی سپاه منجر شده  
است. اختلافات شورای  
نگهبان و مجلس باعث شده  
است که تقریباً تمامی لویج

رطوبت های اساسی صوبه  
مجلس بازگردانده شده و با  
تعمیر کرد و عملاً از اجرائی  
آن جلوگیری شود. دعوی  
شدید بر سر ادغام نهادهای  
انقلابی در وزارتخانه ها و یا  
بطور کلی خلع ید از این  
نهادهای درگیر است که  
نورهای مشخص خود را در  
رابطه با ادغام ارگانهای  
انقلاب در دارگستری  
( اختلاف شدید بین موسوی  
تبریزی و خط حاکم بر مجلس  
شورای عالی قضایی، موسوی  
اردبیلی، و کمیسیون قضایی  
مجلس ) خلع ید از انجمنهای  
اسلامی ( تأکید مدبر نخست  
وزیر و صدور بخشنامه در این  
مورد ) خلع ید از حاکم  
سازندگی توسط وزارت کشاورزی  
( ارائه طرح خدمات کشاورزی  
و مخالفت جهاد با آن ) و  
همچنین در هنگام تصویب  
اساسنامه سپاه پاسداری  
( اختلافات وسیع بر سر  
حیطه قدرت و عملکرد سپاه )  
باز میاید. در رابطه با

سیاست خارجی نیز اختلافات  
وسیع درگیر است. موضع  
گیری وزارت امور خارجه و رئیس  
جمهور در رابطه با شورای  
منطقه ای خلیج و مخالفت روس  
مجلس با آن، موضع گیری در  
رابطه با جنگ با اسرائیل و  
هفت ششمنی از آن، شکل  
پر خورده با مسئله جنگ روس  
کلی این اختلافات رانسان  
میدهد در عین حال که در  
سخت گیری کلی در رابطه با  
شکل نزدیکی به غرب و شیوه  
موضع گیری در رابطه با  
کشورهای سوسیالیستی  
اختلافات بسیاری حاکم  
است. ( خط امام بر منسای

تأکید بر معاملات تهاوتی و  
جهت ایجاد رفم برای خلاصی  
از بحران در شرایط گسوستی  
دشمنی بنیادی خود با  
کشورهای سوسیالیستی را  
بشکل تاکتیکی کنار میبندد اما  
حجتیه و لیبوالها شدت از  
نزدیکی به غرب و مقابله با  
شرق دفاع میکنند )  
توده ها اینبار نیز با  
استاد از تجارب خود  
علیرغم تمامی گوشه های سران  
حجتیه پرده پستی اختلافات  
آنگاه که می بینند بار دیگر  
خیمین سخن از لزوم وحدت  
کلمه، لزوم حفظ یکجاریگی،  
حلولگری از اختلافات دشمن  
شاد کن و ... بیان می آورند  
بخوبی در میابند که بار دیگر  
انفجار درون رژیم و شکاف  
در میان آن نزدیک است.  
بخوبی روشن میگردد که  
چشم انداز تمییزات  
اساسی رژیم سیاسی و  
" تحولات ناگهانی " کاملاً  
کشوده است.

کامل روشن است که ما در  
دوران انقلابی انقلابی بر سر  
میرویم. هیچیک از شخصیات  
رکود سیاسی در جامعه ما  
به چشم نمیخورد. کاملاً  
روشن است که سر قلمی  
انقلاب و ضد انقلاب بر سر

تعمین سر نوشت انقلاب هنوز  
درگیر نشده است. . . علیرغم  
برتری موجود ضد انقلاب  
هنوز رژیم تثبیت شده بر  
ایران حاکم نیست. هنوز  
" نظم و قانون " برقرار نشده  
و اوضاع بحالت محادی خود  
باز نگشته است. بحران  
موجود تعدیل نشده و از  
همین رو چشم انداز قیام  
آتی بیش روی ما گسترده است  
تنها در اینجا این سؤال  
مطرح میگردد که امنیت  
موجود در مبارزات توده ها  
به چه شکل قابل تبیین است؟

گفتیم که لنین انقلابی  
را در آستانه تحولات سریع  
اما با دامنه نسبی وسیع  
دروانی با تغییرات منسوع  
اما تا منظم و درونی که سیر  
تعمیرات در آن خیلی  
ناهموزن است میدانست.  
گفتیم که در انقلابی  
حقی زمانهایی " به نظری رسد  
که آرایش در جبهه ها برقرار  
است برای آنان که چون  
منشوکها تنها در سطح  
میاندند و در تمامی زمانها  
بررسی های خود را بازمی بینند  
تحولات هر زمان در روی صحنه  
محدود میکنند در بسیاری  
اوقات، در آن هنگام که  
تضاد هادر منور جریان  
می یابند و در آن هنگام که  
انقلاب در عین تداوم میاید  
در آن هنگام که توده ها  
تجارب کسب شده خود را  
حذب و تعمیق میکنند انقلاب  
شکست میخورد. آنان درک

بسیار در حقیقت

ما تحلیل این تضادها  
را در مقاله ای جداگانه ارائه  
خواهیم داد.

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر





### بازرسی

# وظایف...

و ترویج مواضع سازمان بویژه برنامه عمل انقلابی سازمان بپردازند.

رفقای هوادار سازمان می‌باید نیروی اصلی سودا در حلقه‌ها و در میان جوانان جنبه‌ها یعنی انقلاب در کارخانه‌ها و دیگر موسساتی که امکان چشم‌انداز فعالیت وجود دارد. مترکز کنند اما تا نتیجه موقعیت محلی و شخصی آنها به نحویت که نمی‌توانند در جهت ایجاد جنبه‌های محلی فعالیت بپردازند می‌باید در سازمان‌های و ایجاد هسته‌ها یعنی مقاومت در میان مردم محبت، دانش‌آموزان، سرایان، دهقانان و... بپردازند. اما باید در دسترس داشته باشند که این هسته‌ها مقاومت‌ها را در هواداران سازمان نشود. بلکه تا حد ممکن در اتحاد با نیروی هوادار سازمان‌ها انقلابی در این هسته‌ها مقاومت را در دسترس داشته باشد. سرایان و روستا باید آوند، و به مرور آنها تبدیل به یک مبارزه توده‌ای شود. این هسته‌ها مقاومت باید در مبارزات روزمره توده‌ها شرکت کنند. این مبارزات را سازمان‌ها می‌باید هدایت کنند. به تدریج و توضیح اهداف سازمان انقلاب بپردازند. و ترویج نشریات و اعلامیه‌ها و تراکتها بکنند. حتی - تا نتیجه امکانات هسته محدود باشد - اعلامیه‌ها و تراکتها را دست‌نویس و پخش کنند. هسته‌های مقاومت هم‌چنین باید با هم - از راه‌های امنیتی - خود را اختیاری دارند به فراگیر کردن و امورهای نظامی بپردازند. و سه - نتیجه انحصار هسته‌های مقاومت در حدی است که حتی می‌توان آنها را در میان اعضا خانواده خود نیز پدید آورد.

رفقا هوادار سازمان می‌بایست وسیعاً برنامه عمل انقلابی سازمان را در میان توده‌ها پخش کنند و به تبلیغ و توضیح مواضع آن بپردازند و شمارهای سازمان را به میان توده‌ها پخش کنند. به‌الایره با حرامتانی که در اختیار دارند. نشریات و اعلامیه‌های سازمان را تخریب و ترویج کنند.

رفقای هوادار می‌بایست بیس‌از بیس به خود متنی بیاورند و اگر بنا به علی‌الترتیب آنان با سازمان قطع می‌شود، فعالیت مبارزاتی خود را لا ینقطع بیس‌برند.

در اینجا لازم است که نسبت به اهمیت شرکت فعال رفقای هوادار در مبارزه ضعیفاتی - به‌ویژه بیس‌از بیس سازمان یا توده‌ها می‌باید در مبارزات تا بدان حد است که سازمان از این بیس‌ها تا آن‌ده از رفقای هوادار سازمان ارتباط مستقیم و آردان‌بیر قرار خواهد ساخت. که در این سازمان متشکل توده‌ای. در این جنبه‌ها محلی فعالیت و با هسته‌ها مقاومت حضور داشته باشند. و در جهت اجرا خود و متنی تا جنبه‌های سازمان و مواضع برنامه عمل سازمان کام بپردازند.

### رفقای هوادار!

و جای ما بسیار دشمن است و دشواریها بسیار. اما تردید نیست که انقلابیون قادرند بر هر مشکلی فائق آیند و دشواریها و آیدایی را به آسانی به آنها بپرانند. بیرون از آن کارگران و زندگیمان و کشت سرنوشت محکوم مزدجین تابع است.

مبارزه در راه برپائی یک انقلاب عمومی سیاسی امری نیست که به آسانی و بر صبیبت نغیرمان صورت پذیرد بلکه نیاز به یک مبارزه بی‌کسب سرسخت و مستمر و سختی ناپذیر دارد که سرانجام از درون مبارزات خود را اقتصاد و سیاسی کارگران سر بر خواهد آورد. وظایف ما در این دوران بسیار دشوار است، اما نباید از این دشواریها و حتی ضرباتی که اینجا و آنجا ما باید می‌پذیریم ناامید باشیم. که نتوانیم طالبان دریاوردی در دوران ارام " شیطانات مبارزه قانونی که نتوانند هیچ‌کس ما را بردارند و خود را شار خواهند کیند و دشواریها را موجود را بهانه قرار خواهند داد. اما ما بدون نگرانی همان‌که خود را موفقاً از فعالیت سوسیال دمکراتیک‌ها بکنند و متصرفان انقلاب به‌هنگامی که دوران جنبش سیری شده و مجدداً روزهای غلیظ آغاز شده باشد. اما ما که چشم‌انداز روشن مبارزه اندر این توده‌ها و سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی را در برابر خود داریم. ما نمی‌توانیم توان و انرژی خود در جهت سازمان دهی مبارزه جنبشاتی برولتاریا و هیر و این مبارزه. تا همین هم‌زمنی برولتاریا بر جنبش کیندن مهر و نشان برولتاریا نمی‌باید بگذاریم. بیرون قطنی این مبارزه می‌شود، از این دشواریها با نفس هراسیم و خطرات را نیز بپذیریم می‌شویم. ما در دورانی بسر می‌بریم که خطرات مزج خودشان قبل از همه در پیش رو دارند. یعنی سخت‌دستی از همه آندو سرنوشت را در دست‌روزی قرار داده‌اند. ما نیز برولتاریا را اندک‌ترین و توده‌های زحمتکشان را به‌ویژه بیس‌ات انقلاب عمومی سیاسی و پیام سلحشانه برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و پرورانی جمهوری دمکراتیک خلق فرا می‌خوانیم.

تا اینجا، تکیه اساسی ما بر روی ابزار معینی چون جنبه‌های محلی فعالیت و هسته‌های محلی مقاومت را نباید به منزله نفعی نگاه کرد که در حلقه اشغال‌گانی قانونی از تلقی کرد. بلکه تنها تأکید بر این مسئله است که این ابزار اصلی تشکیلی و سازماندهی توده‌ها و هدایت مبارزات آنها در شرایط دشواری است و باید آندو عده خود را در اینجا در صورتی که می‌توانیم.

تا اینجا، تأکید بر وظایف اساسی این دوران به معنای نفی وظایف دائمی و همیشگی ما یعنی تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دمکراتیک نیست. این وظیفه برای همیشه به قوت خود باقی است.

### و اما وظایف رفقای هوادار سازمان!

وظایف رفقای هوادار سازمان نیز در اساسی‌ترین وجه خود مبارزه در جهت فعالیت‌های ما یعنی مبارزه در جهت سازماندهی و رهبری مبارزه طبقاتی برولتاریاست. و دیگره و شخرف رفقای هوادار در مرحله کونی جنبش مبارزه راه ایجاد جنبه‌های محلی فعالیت و هسته‌های محلی مقاومت است.

اگر امروز شرایط موجود جامعه و مشکلات عمومی سازمان اجازه نمی‌دهد که بیرون‌ها را تشکیلاتی آردان‌بیر و نزدیک‌ترین رفقای هوادار برپا شود رفقای هوادار سازمان نباید به انتظار بفرمایند ارتباط بیکار بنشینند. بلکه بالعکس! اکنون که استراتژی و تاکتیک‌های سازمان روشن شده است و برنامه عمل انقلابی سازمان به‌تصویر شده راه‌های فعالیت‌های تمام‌تاریخی رفقای هوادار متشکل شده است. رفقا باید تمام انرژی خود را در جهت تحقق این استراتژی و تاکتیک. تبدیل

توجه به ویژگی سیاسی لحظه نوینی آردید و جنبش محلی بنیادین و در میان جوانان با شرکت‌دهان در مبارزه روزمره کارگران سازماندهی، هدایت این مبارزات توده وسیع کارگران را بدور خود بسیج نماید. و زمینه را برای برپائی یک انقلاب عمومی سیاسی هموار

کند. نباید تصور کرد که این جنبه‌ها تنها از رفقای هوادار خط و مشی سازمان و کارگران هوادار در یک جنبه‌های محلی تشکیل خواهند شد. بلکه بالعکس جنبه‌های محلی فعالیت و هسته‌ها می‌توانند تبدیل به ارتش‌های محلی فعالیت و مبارزه کارگران گردند باید در برگیرنده تمام کارگران با کوشش و فعالیت سازمانی مختلف باشند که در جهت برپا داشتن رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند. این جنبه‌ها که در حقیقت هسته‌ها را ایجاد عمل کارگری محسوب می‌کنند باید بروسیب‌ترین بخش توده‌های کارگران محلی باشند. هنگامی که جنبه‌های محلی فعالیت در کارخانه‌ها و معاصر بیس‌تویز در دویم کام خود را در جهت تدارک فعالیت‌های عمومی برخواهند داشت. این جنبه‌های محلی فعالیت باید با نتیجه‌ها یعنی فعالیت‌ها در کارخانه‌ها و دیگر تاسیس‌های ارتباطی میان جنبه‌های محلی فعالیت و فعالیت‌ها و موسسات مختلف و هم‌اقت گردن فعالیت‌ها و مبارزه آنها. به‌تکام عملی و بیرون در جهت سازمان دهی یک انقلاب عمومی سیاسی صورت خواهد گرفت. کارگران آگاه به منافع جنبشاتی خود نه تنها می‌باید در جهت ایجاد این جنبه‌های محلی در سطح کار خود فعالیت شرکت کنند، بلکه وظیفه دارند. کارگران کارخانه‌ها و موسسات دیگر را به ایجاد جنبه‌های محلی فعالیت تشویق کنند. در اینجا نیز لازم است که در حلقه‌ها که همان‌گونه که بیس‌ات عمومی ما برای پایه قرار دارد که در این از همه و مراکز استراتژی ایجاد می‌شود کارخانه‌ها در درجه‌ها و مراکز شهرت سازمان. امروز نیز می‌باید قبل از همه در این جنبه‌های محلی فعالیت با کارگران در این جنبه‌های تولیدی، با کارخانه‌ها و موسسات و بخش‌ها کارگران ایجاد کنیم که تقریباً تعیین شده‌اند. در تولید و اقتصاد جامعه ای‌تای می‌شوند و در میان کارگران این رشته‌ها می‌توانیم اما کی بیس‌تویز وجود دارند.

جنبه‌های محلی فعالیت را نه تنها در میان کارگران و در درون کارخانه‌ها، بلکه در تمام موسسات و نهاد‌هایی که می‌توانند در برپائی یک انقلاب عمومی سیاسی عمومی نقش داشته باشند و در میان آردان‌بیران و معلمین و... نیز می‌باید ایجاد کرد.

اما سوای ایجاد جنبه‌های محلی فعالیت، ایجاد هسته‌های محلی مقاومت نیز ابزار ضروری دیگر در جهت سازماندهی و هدایت مبارزات توده‌ها و بویژه انتشار غیر برولتاریا علیه رژیم حاکم محسوب می‌شوند که می‌باید آنها را در محلات و مدارس، روستاها، مسیازانه‌ها و... ایجاد کرد. این هسته‌های محلی مقاومت تنها تشکیلاتی محلی نیستند که در برابر پرورانی غنا کینده ارتجاع محسوب می‌شوند که قادرند مبارزات روزمره توده‌ها را سازماندهی و هدایت کنند. بلکه در همان حال وجهی از تدارک سیاسی و نه‌ای برای بیس‌تویز - مسلحانه محسوب می‌شوند. جنبه‌های محلی مقاومت بویژه هنگامی که مبارزات توده‌ها تشکیلاتی آشکار و انقباضی به خود می‌گیرد، نقش بسیار حساسی ایفا خواهند کرد. جنبه‌های محلی مقاومت نیز همانند هسته‌های محلی فعالیت می‌باید به‌منافه آندون برای اتحاد عمل بین نیروهای انقلابی محسوب گردند. این جنبه‌ها وظایف اساسی خود را در این دوران نیز می‌کنند، لازم است به‌تندی که اشاره شود.

اگر بایست این حقیقت را در نظر داشت که گسار برپا داشتن در جهت تدارک سیاسی و نظامی قیام برای بیس‌تویز و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جنبه‌های محلی فعالیت و هسته‌های محلی مقاومت و بیس‌تویز بسیار سنگین و دشوار است و به‌تصویر شده‌اند که در این جنبه‌ها تشویق شده است. صورت نخواهد گرفت بلکه در عین با مشکلات بی‌پایان کپی‌های خاصی روبرو خواهد شد فی‌المثل

# با ایمان به آرمان سرخ کارگران با ایمان به پیروزی راهمان



## پیشروزی مبارک جنبش مقاومت خلق کرد



خلق کرد سر بلند و استوار همچنان در مقابل توب و تانت  
رزم زد خلقی جمهوری اسلامی استاده است. سیزده  
سه سال سرکوب و محاصره رزم کترین خلقی در آزاد  
بولادینش وارد نیابده است. اخبار زیر که از خبرنامه  
خرداد ماه شاخه کردستان سازمان برکنده شده است  
تنها تصویر کوچکی از کردستان قهرمان است :

### ۱۱/۸ - بوکان

بیشمرگان فدائی ساعت ۸ صبحا گشتن از پایگاه  
دشمن وارد شهر بوکان شده فستی از آن راه به کنترل  
خود در آوردند و طی سه ساعت عملیات موفق آمیز  
از ۴ تن از مزدوران رژیم از آن جمله مستخبر مسئول  
بیسج بوکان را به هلاکت رساندند سپس حدود نیمه شب  
بصورت مرموز و بدون هیچگونه آسپیر از شهر خارج شدند.  
ضربه بقدری مؤثر بوده است که حتی خبرهای مؤسسه  
فردی آن روز ۶ هلیکوپتر برای انتقال اجساد و  
زخمیهای رژیم به بوکان مباد. در این عملیات چهار  
خودرو دشمن منهدم و مقدار زیادی مهمات دست بیشمرگان  
افتاد مردم شهر در تمام مدت در تیرگی و نیز در پلکان  
عطیات حضور خود و دادن میوه و شیرینی و آب و  
... به بیشمرگان آنها را تشویق کرده یاری رساندند  
حین عقب نشینی نیز بیشمرگان مورد استقبال زحمتگاران  
روستاهای سیر قرار گرفتند. این ضربه آهنگه که تنها  
گشمة ای کوچک از انتقام خلق زحمتکش کرد از مزدوران  
رژیم استبدادی بود فوهای متحد رژیم پس از  
۳۰ فقره در شهری را برای حفظ اصطلاح اشتغال  
به اثبات رساند.

### ۱۱/۸ - باشما

بمغز و گرامید است جعلست روز شهادت چهار روفیق  
بیشمرگ و چهار تن از اهالی زحمتکش روستا بیشمرگان  
سازمان وارد باشما محل شهادت آنها شد نسیه  
و مراسم باشکوهی برگزار کردند در این مراسم که با  
حضور خانواده شهید، بیشمرگان سازمان و جمع کبیری  
از اهالی روستا برگزار شد یکی از رفقای بیشمرگ ضمن  
این نهادن در باره ماهدت رژیم وضعیت  
کوشی مطالبی ایراد کرد سپس سران خواندن سرود  
رفقای بیشمرگ در بین اهالی به تشویق مواضع سازمان  
پرداختند.

### ۱۱/۲/۲۵ - جاده بوکان و سفز

در این تاریخ بیشمرگان فدائی در مسافت  
بعد از ظهر قسمتی از جاده بوکان- سفز را به کنترل  
خود در آوردند و به بازید ماشینهای وارد شدند و بعد  
۳ ساعت یعنی تا ساعت ۷ به تبلیغ مواضع سازمان  
مشغول بودند. با وجود در پایگاه دشمن حدود  
جاده دشمن نتوانست هیچگونه حرکتی از خود نشان  
دهد و بیشمرگان سالم به پایگاه برگشتند.

کس که زحی از سرمایه برتن دارد لانه نرده است  
به جنبه مرک سیرد ؟

انقلابی می آموزد . انقلاب با می آموزد کس  
چگونه باید در زیر سخت ترین ضربات دشمن در  
عین ترمیم در عین امیختن و آمیختن دادن مبارزه  
را تداوم بخشیم . انقلاب با می آموزد که چگونه  
کیفیات را - رورش دهیم و چگونه ... هر چند رژیم  
جمهوری اسلامی با آنکه به تجارب جهانی سرکوب  
نماید و حشمانه ای از جنایات و سوسی رجوی را به  
آورده است اما هر راه در ایجاد کشته شده جهانی  
و در فراسوی تاریخ بنگرم در میابیم که این نمایش  
تنها تکرار است از عهده های پوزروازی در حال  
اختیار . اگر جمعه های مرگ داد بود تلاشهای  
انقلابیون را مبارک سازد فراتر میباید جادوانه  
حکومت کند . اگر کشتار جوانان ، زنان و کودکان  
به کالبده برستن هر حرکت اعتراضی برآه انداختن  
خون ، زخمهای ناشی از مرگ برهاند  
این نمایش باید نوادگان هیئت ریز جهان فرمان  
برآوردند . اگر اعمال شگجه ، دادرزیدن و سوزاندن  
آره کردن دست و پا و کشیدن ناخن . دستبند  
بمانی و تجاوز غار ساز بود سالار و یا چراغ؟  
بیوشنه قادر میشد گورستان آرام و معلوب  
پوزروازی را حراست نماید . اگر خلقی بجای  
نابالم . سلاحهای میکی سوزاندن روستاها  
و یا خاک نیکسان کردن آبادیها و قتل غارتبه ها  
میتوانست حکومت سرمایه را بیادانه ملازمه  
راستی ، امپریالیسم میباید در ویشام پیروز کرد  
و میباید کجا و در بی آن نیکار کوزه آلسالوادور  
گوانتالا و ... هنوز جزایر شات و امین سرمایه  
باشند . اما هر چند بارها گفته ایم . باید  
تفت . با سرنیزه هر غری می توان کوزه کشتن  
روی آن . او را انقلاب جهانی ده با خون  
صدها هزار انقلابی و بیوشنه رزم خورده است  
بیا نگر این حقایق است .

اما رژیم جمهوری اسدی که چون دیگر  
مترجمین هرگز از تاریخ نمی آموزد با هر ضربه  
پر بیوشنه وارد می آورد میزند با بان مبارزه  
انقلابی را ترمیم کند . آنکه که موسی را شهید  
کردند چه در آنها که بر نیابورند . کومار  
سازمان سجاهدین در هم بیچیده شد . آخرین  
شده تاریخ کشتن نباید شد . سرمایه  
سازمان نیز بنا گذر بایان آوار اختتام حسابها  
بود . توده ها با آنکه به تجارب خود میایی  
انگامی در نسبت به رژیم بر این دروغورد آنها  
میخندند و فدائیان نیز انجنان که سنت  
دینشان است با تداوم مبارزه و ایستادگی  
نفس خوابهای ضعیف پوزروازی را در هم میزنند .

در این میان که در راه تارک هر بین و خم  
سنگلاخ مبارزه ناه انفرادی و خوبی و بدی میگذرد .  
هراس و دانه خستگی برآوردن پیچیده می افتد .  
خواب چشمانشان را فرو میبندد . میوشنوم که  
دیگر تحمل اینهمه فشار ضربه و حبسیت را ندارد ،  
اعصابش خرد شده است دریافت است که  
ایتمه تلاش را تعری نیست . میوشنوم که پیچ  
و خم راه خسته اس کرده است نیازمند تجدید  
قوا است و آنکه است که شاهد افعال بی لوفیق  
می غلتیدن فرد مستعصری به ورطه خیانتیم .  
باید دانست در این راه خواب یعنی مرگ .

تن دادن به خستگی یعنی خیانت یعنی  
فراموش کردن تمامی آرمانهایی که جهت حقیقتان  
با در راه نهاده ایم . باید خون سرخ رفقایان  
شهید را مشغلی سازیم . بیبشایی از آهسان با  
سلاح مارکسیسم جاده را هموار سازیم و رنج و  
سخنی راه را با در خاطر نشاندن رنج و تدری که  
پرورشیا هر روز و هر ساعت در پای کوره ها در اعان  
معدان و در لای چرخهای استعمار و سرکوب  
محل میشود بپنرا شویم . برآستی که تنها  
بدینترفیق تنها با بدل ساختن تمامی کینه مان  
به خصم و همزمان به خلقی به شور و نیرو و با  
کارگری تمام نیرو و خلافتیان در راه انقلاب  
است که میتوان با ایمان بر قله های پر سلاطت  
البرز ایستاد و فریاد کشید . انجنان فریادی که  
سراسر فلات خیمیان را در هم نوردد . فریاد  
کشید . با ایمان به آرمان سرخ کارگران ،  
با ایمان به پیروزی راهمان .

از آن بدنگام که حربه فریب و تحمیل فرورد خود را  
از دست داد رژیم تمامی نیروی را بیار وقت نامتن  
انقلاب را در حقه سازد ، هر چند که پیرازان  
نیز دستاخر تا فریق به خون خلق آلوده بود .  
سعی اولین - با در شمار اولی - برآیای این  
بیوشنه سمانه بود . رژیم در حیان نام بود به  
عبت کوشید تا کوشم سن - شموس و زبان  
در سعید را در خون سرخ مد فون سازد . اما  
در راه مرگ سعید ، جوشان که در کتای زندی  
سراسر مبارزه اس صدها شمس سوده شد .  
صدها چهره و نظم و نظم منت به سوسی  
کرایید برآیمان حیر می آید که از آن در راه  
با نشیند خبر کرم می کزد و بدینجه مر سعید  
ته انجنان که رژیم تمامی کزد نسیم و ریبی  
فقرت و کینه سر افید .  
رژیم جنایت فراری به عقب نشاندست هر - ند مید  
تومان را هزاران تومان به خاک کشید رند - نام  
جهان را صدها جهان فریاد زدند و سیامت  
را هزاران لور و کزد و ترکی غارت و زحمتکش  
نستند . به شتارد ادامه داد و عیاران جوان را  
ضعمه جسم حیوانی سرمایه - است . حیوانی  
که جرمش عین ورزیدن به آزادی است ، جرمش  
آن است که انسان را آزاد می خواهند و سرمایه را در  
بند . رژیم اکثرین خط ، اکثرین  
به آزادی و اکثرین سرمایه - سازد .  
توده ها اکثرین را در خون - سوزاند .  
کوشید خون سرخی را در دشمن انقلابیون -  
فریاد میزند شمار میداد و انجنان  
میباشد با اکثر گلوله خاموش سازد . اما  
چه کند با دن جون آسما اکثرین ؟

زمانی که منصور را کشتند تمامی رفقا سراپا در  
و افسوس بودند . شاید بسیار دردن گفتند  
تعلق با اگرها لذت میماند اما برآستی کس  
انقلاب هر بند را از پیوسته بر می کشد . توئی  
انرژی رفقا ده - ندانند - میمانونه که  
کشتن به رژیم - توئی حربه می میزند نه  
فد خود که عروه برآون منصور دیر هر با بند .  
همچنین بود زمانی که سیامت و ویا دیزران  
به سپادت برسدند . خصم و اندوه از دست دادن  
بی ترفیق بازتاب خود را در توانی حاصد نیب - روی  
شد برآی و شور و شیبی افزون در مبارزه با خصم  
ضد ذاتی میافت . آنکه که ندها مال سرسید  
دها سیامت و دهلیجمن و دهها سعید و  
داود و جهان سر بر می آوردت میداندستیم که  
رفقایمان برآستی رنده اند . این نه به حادثه ،  
نه به سوزنی کینه در اکتساب تاریخ است زند نشد  
هر مبارز تود خود را در برآیا حاکم دست دجا و  
صدها رزمنده می باید .

برهاسرمان ۶۱ جوانان که بیست سال  
تقدیر همه اس و جوشن داشت . یازده ریفان  
به جان افتادند . رژیم سرمایه ای پر بیوشنه سازمان  
فرورد . هر چند صدد ریغ و افسوس در نبود رفقا  
بر آیمان جان کست . هر چند توئی کده ای  
فد برآی و ریبی خلقی فشرده شد و در - ون نشست  
اما رسم فدائیان خلق آن است که یاد رفقا سرسید  
را با تداوم هر چه بیوشنه برآیوشتر راهمان  
گرمی دارند . از این ننگی نیست تا به خرمو  
بدود از هر احتشام آمانی سازد متدار بر بیوشنه

... باید بدانیم که کارشرا تداوم میزند  
از این امید است . از این امید است  
از عیار و حمید و حشایار و دیزرفیان سره  
سوزند . هر چند ایمان درون نشسته است  
اما - با کف از آرزو که ما بر نیرو . جوان توده ها  
تنبه کرده ایم و از آرزو که از درآ بیوشنه  
نیرو میگیریم ما بیسار انیم . ما در عرصه بیف  
نارجران . در هر جبهه در دشمنان زاده میوشیم .  
در هر کسبه تاریخ میوشیم تا زحمتشان در هر  
جگه رنج و درد . استمار و سوزنده بوده است  
نموشنومی نیم . در جرحه - سرا در هر  
انجنان . در هر جبهه توده ها میبایم . برآی  
می جیم . در هر تریاک سوسش تیر بر میوزن کار  
به سرمایه - مدد خود را با بازی میبایم . طوفانندان  
این خلق رنج دیده ایم . اما آیا میتوان تمامی  
آرزوان را شد ؟ آیا می توان خلق را تیر باران  
زد ؟ آیا می توان سواره با اس - سوزان توده ها  
... غلبه ای کارگران را به خون بست ؟  
ایا میتوان بیشتر از آزادی که در قلب جوان

بملاک ناخوانایی گوی اصلی امکان انتباهات تا به سوزد .